

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

مفهوم شناسی روش های بلاغی تاکید در آیات قرآنی با تکیه بر اصول صرفی و نحوی

۱_ محمد سعادت‌ی ۲_ مهرداد آقایی ۳_ شهریار گیتی ۴_ حسین محسنی

چکیده

علم بلاغت؛ از جمله دانش های کاربردی هست که هدف از آن زینت بخشیدن به سخن و یا مصونیت آن از اشتباهات غیر دستوری است. همواره جنبه های مختلف قرآن کریم از جمله؛ معانی، بیان، بدیع و ویژگی های فصاحت و بلاغت آن مورد توجه پژوهشگران و متخصصان علوم دینی و حوزوی قرار گرفته است. از پژوهش های مورد توجه در این زمینه بحث مربوط به اسالیب تاکید به کار رفته در قرآن است. پژوهش حاضر با بهره گیری از روش کتابخانه ی و با تکیه بر شیوه ی توصیفی- تحلیلی سعی دارد تا اسالیب تاکید را از نوع روش های بلاغی در منتخبی از آیات قرآن کریم براساس رویکرد نحوی - بلاغی مورد بررسی قرار داده و بر کارکردهای هر کدام از اسالیب تاکید در هر یک از آیات بپردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در آیات مورد بررسی شده، خداوند ابزارهای مختلف تاکید را با هدف و غرض خاصی مانند؛ هشدار و تهدید، انکار، تذلل، اجابت و مبالغه ... در بیان مطلب ذکر نموده است.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، روش بلاغی، نحو، اسالیب تاکید

۱_ دانشجوی ارشد ادبیات عربی گرایش زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی
Email:mohammads.saadati@gmail.com

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی
m.aghaei@uma.ir

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه

علم بلاغت در ارتباط با قرآن کریم از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ چنانچه می توان تمامی مباحث و اصول آن را با این کتاب آسمانی مورد بررسی و تحقیق قرار داد. اسلوب تأکید یکی از مباحث علم بلاغت است که در قرآن به وفور مورد استفاده قرار گرفته است. آنچه مربوط به این بخش از کار می شود تأکید از نوع روش های بلاغی است که از قدیم مورد تدوین علمای نحو قرار گرفته است ولی در سده اخیر رگه هایی از تأکید که می توان آنها را ملحقات توأکید قدیم نامید به آنها افزوده شده است که در حد وسع مورد پژوهش قرار گرفته است.

بیان مسئله

تأکیدات از مهمترین مباحث بلاغی در قرآن کریم است. از جمله مباحثی علوم قرآنی است که همواره مورد توجه مفسران و عالمان دینی و پژوهشگران در این عرصه قرار گرفته است. زبان از مهمترین ابزارهایی است که جهت ارتباط و برقراری بین موجودات و مخصوصا انسانهاست. در این بین هر زبان و گویشی اسلوب و سبک خاصی دارد که با انواع روش متکلم غرض و مقصود خود را به مخاطب می رساند. از جمله مهمترین، زیباترین و پر راز و رمزترین این زبان ها، زبان قرآن است. که دارای بیشترین اسلوب تأکید هاست. و این یکی از هزاران نشانه های قدرت خداوند متعال است که کلمات آن تاثیر عمیقی بر جان و روح آدمی دارد. و از انسجام و استواری و اعجاز لفظی و معنوی خاصی برخوردار است. اهمیت این موضوع از این روست که کلمات تأکیدی در موضوعات مطرح شده دلیلی بر علم محکم خداوند و همچنین دلیلی بر معجزه و شگفت انگیز بودن این کتاب آسمانی است. در ابتدای این پژوهش به تعاریف و انواع اسلوب های بلاغی و نحوی درباره تأکید پرداخته شده و سپس به رمز و راز اسلوب های تأکید جهت ژرف سازی و حقانیت کلام الهی پرداخته ایم.

پیشینه و ضرورت تحقیق

تاکنون در مورد موضوع مفهوم شناسی روش های بلاغی تأکید در آیات قرآن کریم براساس رویکرد نحوی - بلاغی هیچ پژوهشی یا تحقیقی صورت نگرفته است. اما پژوهش هایی مشابهی نزدیک به این موضوع صورت گرفته است که می توان موارد زیر را از آن جمله یاد کرد:

- مینا جیگاره (۱۳۸۳) اسلوب های تأکید در زبان قرآن، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء شماره ۵۲. این مقاله موارد تأکید را بصورت مسند و مسند الیه تقسیم بندی و مورد بررسی قرار داده است و با کار بنده مورد مشابهتی ندارد.

- حجت رسولی و قادر قادری (۱۳۹۲) زیبا شناسی اسلوب تأکید در سوره ی یوسف (ع)، فصلنامه مطالعات ادبی متون

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اسلامی شماره ۵. در این پژوهش تنها سوره حضرت یوسف (ع) مورد بررسی قرار گرفته و روش کار به صورت موضوعی تأکید بوده و با کار بنده مشابهتی ندارد.

- سید محمد باقر حسینی (۱۳۹۰) صور بلاغی اسلوب تأکید در آیات قرآن کریم، زبان و ادبیات عربی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد) شماره ۱۶۶. این پژوهش هم بصورت موضوعی کار شده و فقط چند نمونه در ذیل هر موضوع تأکید آورده شده است.

- علی عبدی (۱۳۹۷)، اسلوب تأکید در قرآن از جزء ۱۶ تا ۲۰، استاد راهنما محمدرضا اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، در این تحقیق موارد تأکید در جزء ۱۶ تا ۲۰ مورد بررسی شده که ابتدا بصورت تقسیم بندی موضوع بوده و سپس تحلیل های مفصلی بصورت نحوی و معنایی با کمی بلاغت انجام شده است و با تحقیق بنده موارد مشابهتی ندارد.

- اسحاق اصغری سراسکانرود (۱۳۹۰) اسلوب تأکید در قرآن (۵ جزء اول)، استاد راهنما محمدرضا اسلامی، دانشگاه تربیت معلم تبریز، (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، در این پژوهش اسالیب تأکید در زبان قرآن بصورت مختصر و به شیوه جدول کار شده است.

- سمیه یوسفی (۱۳۹۲) اسلوب تأکید در ۵ جزء آخر قرآن، استاد راهنما مجتبی بیگلری، دانشگاه رازی، (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، در این تحقیق شیوه کار این است که ابتدا موارد تأکید مورد کاوش شده و سپس در فصل اصلی در آغاز کار مباحث مختصری از سوره ها بیان و بصورت جدول همراه با موارد تأکید و معنی آورده می شود.

- الهه ذوالفقاری فر (۱۳۹۱) تأکید و اسالیب آن در جزء ۳۰ قرآن کریم، استاد راهنما محمد صالح شریف عسکری، (دانشکده اصول الدین)، شیوه کار بصورت تقسیم بندی خبر براساس مسند و مسند الیه است.

- صدیقه بینشیان (۱۳۹۹) بررسی تطبیقی تأکیدات قرآن کریم و ترجمه های فارسی آن در دو جزء آغازین و فرجامین. استاد راهنما فرزانه تاج آبادی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده اعجاز قرآن، در این مورد اطلاعات خاصی در ایرانداک ثبت نشده و به نظر می رسد که موضوع تحقیق به پایان نرسیده است.

- محترم ترخاصی (۱۳۹۲) بلاغت تأکید و کاربرد آن در قصص انبیاء (علیهم السلام)، استاد راهنما، سید محمد امام زاده، دانشگاه فردوسی مشهد، (دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری)، شیوه کار براساس انتخاب آیه مربوط به هر یک از پیامبران بوده و ترتیب آیات طبق سوره قرآن همراه با ترجمه است.

- فاطمه طباطبایی (۱۳۸۸) اسلوب تأکید غیر مصطلح در علم نحو با نمونه های قرآنی، استاد راهنما جلال مرامی، دانشگاه علامه طباطبایی، (دانشکده ادبیات و زبان های خارجی)، این پژوهش در هفت فصل تقسیم بندی شده و موارد مختلف تأکید مورد بررسی واقع شده است.

- مصطفی لیالی (۱۳۹۴) بررسی ساختار اسلوب حصر در گزیده ای از آیات قرآن کریم، استاد راهنما حسین یوسفی آملی، دانشگاه مازندران، (دانشکده علوم انسانی و اجتماعی)، در این تحقیق پژوهشگر اسلوب های حصر را مورد کاوش داده و براساس کاربرد آن به نگارش پرداخته است.

- جلال مرامی (۱۳۷۸) اسلوب تأکید با حروف در زبان عربی با شواهد قرآنی. (رساله دکتری)، استاد راهنما فیروز حریرچی،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دانشگاه تربیت مدرس، (دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی). این پژوهش اختصاص به انواع حروف دارد؛ از جمله حروف زائده و مقطعه و حصر و معانی ... پژوهشگر به رابطه تأکیدی آن همراه با شواهد قرآنی پرداخته است. با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد و طبق نظر ایرانداک و سیویلیکا این موضوع تا به حال کار نشده است، هرچند که موضوعات مشابه و مرتبط با این موضوع قبلاً کار شده است.

جایگاه اسلوب تأکید در بلاغت

قرآن، کتابی است که همواره برای پژوهشگران عرصه بلاغت به عنوان منبع مهمی در بحث پرداختن به اهمیت بلاغت به شمار می‌رود. از آنجا که قرآن به زبان عربی نازل شده است بنابراین نویسندگان عرب زبان از این کتاب مقدس بهره‌های فراوانی برده‌اند. بلاغت در زبان عربی از جایگاه بالایی برخوردار است. علم بلاغت از دانش‌های کاربردی به شمار می‌رود که هدف از آن زینت بخشیدن به سخن یا مصونیت آن از اشتباهات غیر دستوری است. سخن بلیغ آن است که افزون بر ویژگی فصاحت، ساختارهای گوناگون زبان در موقعیت‌های مناسب آن به کار رفته باشد برای مثال در مکان مناسب از تأکید، تکرار، گزیده‌گویی و ... استفاده شده باشد. (تفتازانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۵).

تعریف تأکید

سیوطی در معنای تأکید در لغت بیان کرده است «توکید» مصدر «وگد» و تأکید مصدر «اگد» است که دو لغت به یک معنا به معنی محکم کردن است. در اصطلاح نحوی: تأکید یا توکید تابعی برای تثبیت و تقریر امری متبوع خود در کلام است و به دو گونه تقسیم شده است: تأکید لفظی و تأکید معنوی است. برای تأکید ابزارهای گوناگونی ذکر شده است و در این پژوهش سعی شده است مواردی از تأکیدات به وسیله روش‌های بلاغی مورد بررسی قرار گیرد.

تأکید با روش‌های بلاغی:

در هر زبانی برای اینکه جمله‌ی مورد تأکید واقع شود ابزارهای مختلفی وجود دارد و زبان عربی هم مستثنی از این قاعده نیست. منظور از ابزارهای تأکید آن کلماتی است که کارکرد تأکید در یک جمله بر سایر کارکردهای دیگر ارجحیت دارد؛ از جمله این موارد: «ان» و «ان»، تکرار، حال موکده و ... می‌باشد ولی آنچه در این نگارش به ابزارهای تأکید پرداخته شده، تأکید از نوع روش‌های بلاغی می‌باشد.

جمله اسمیه:

یکی از مؤکدات، جمله اسمیه است. سیوطی ذیل توضیح بسیاری از مثال‌ها آن را از اسباب تأکید شمرده است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۱۷). تفتازانی در مقدمه شرح تلخیص می‌گوید: عدول از جمله فعلیه به اسمیه، نشانه‌ی تأکید و ثبوت آن است (زرکشی، ج ۲، ص ۴۹۱). در آیه «قَالَ مُوسَىٰ أَلَمْ يَقُولْ لِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

السَّاحِرُونَ» (۷۷/یونس) جمله «أَسِحْرٌ هَذَا» یک جمله اسمیه است که سحر بودن معجزه را از طرف حضرت موسی علیه السلام انکار می کند و گفته های آنان را تکذیب و توییح شان می کند. خیر (سحر) به علت شدت انکار بر مبتدا (هذا) مقدم شده تا مبتدا در جمله به صورت اسم اشاره ذکر شده و دلالت های معجزه بودن را به وضوح نشان می دهد. حضرت موسی علیه السلام این انکار را با جمله «و لا یفلح...» تاکید و تایید می کند. (روح المعانی؛ ج ۶؛ ص ۱۵۴).

مقدم کردن آنچه که باید موخر باشد:

اصل در عامل این است که: بر معمول، پیشی بگیرد، ولی گاهی برعکس می شود و معمول از عامل جلو می افتد و بر این تقدیم، انگیزه های گوناگونی وجود دارد: ۱- از آن انگیزه ها، تخصیص و حصر است. مانند: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در این آیه کریمه، «إِيَّاكَ» مفعول «نَعْبُدُ» است و بر آن مقدم شده تا تخصیص را بفهماند، یعنی: تنها تو را می ستاییم. همین طور، «إِيَّاكَ» بر «نَسْتَعِينُ» مقدم گشته تا مفید تخصیص باشد. یعنی: تنها از تو یاری می جویم. ۲- یکی از انگیزه های تقدیم، باز گرداندن مخاطب، از خطا به درستی است. هنگامی که در تعیین مفعول، به اشتباه افتاده باشد. مثلاً می گویی: «نصراً رأيت»: نصر را دیدم. تا ردّ کنی باور کسی را که پنداشته: شما غیر نصر را دیده ای. ۳- و از آن انگیزه ها این است که: آنچه مقدم شده جای فرود انکار و تعجب است. به تعبیر دیگر انکار و تعجب نسبت به آنچه مقدم شده، ابراز می گردد. مانند: «أبعد طول التجربة تنخدع بهذه الزخارف» آیا پس از تجربه طولانی فریفته این زیورها می گردی؟ ۴- و از آن انگیزه ها، رعایت هماهنگی و همسانی سرآمد (سجع و فاصله) آیه هاست. مانند: «خَذُوهُ فَعَلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلْوُهُ» حاقه/ (۳۱). او را بگیرد و در زنجیرش کنید سپس در آتش بیندازیدش. در این آیه مبارکه، «ثُمَّ الْجَحِيمَ» که مفعول است بر «صَلْوُهُ» مقدم شده است. تا پایان آیات، یکنواخت گردد. (عرفان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰۹ و ۳۱۰). در این آیه «قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ». (یوسف/ ۱۱). برای مقدم شدن «له» در «لناصحون» و «لحافظون» دو احتمال بیان شده است یکی برای رعایت فاصله و تلاش برای جایگاه بلند حضرت یوسف علیه السلام در ظاهر قضیه و دیگری اینکه برای حصر ادعای خود یعنی آنقدر به برادر خود توجه دارند که جز او خیرخواه و حافظ هیچ کس نیستند. (ابن عاشور، ج ۱۲، ص ۳۰).

تذیل:

تذیل در لغت بمعنی آن است که چیزی را پائین تر از چیز دیگر قرار بدهند و در اصطلاح آوردن جمله دوم است بعد از اول. بطوریکه جمله دوم مشتمل بر معنی جمله اول باشد. و بخاطر تأکید انجام میشود. ضمناً باید دانست که فرق تکرار با تذیل در این است که در تکرار جمله دوم بالمطابقه عین اول است ولی در تذیل عین اول نیست بلکه مشتمل بر معنی اول است. و مراد از تأکید، تأکید بمعنی لغوی است یعنی تقویت نه تأکید بمعنی اصطلاحی. (امین شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲۲). در آیه «قَالُوا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

أَجِئْنَا لِتَلْفِئْتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا وَتَكُونُ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ «(یونس/۷۸). جمله « وَ مَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ » فرعونیان با کلام خود آنچه را که از انکار حضرت موسی علیه السلام فهمیده بودند را تاکید می کنند (روح المعانی، ج ۶، ص ۱۵۵). با دلایل و برهان حضرت موسی علیه السلام فرعونیان به این نتیجه رسیدند که کار او سحر نبوده و وی ساحر نیست چون پیروز شد و این عبارت تاکیدی بر این بر حق بودن حضرت موسی علیه السلام و راه ایشان است. و همچنین در آیه « فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ.» (یونس/۸۱). جمله « إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ ... » تزییل است برای تعلیل و تاکید مطلب قبل آن می باشد. خداوند در این آیه زمان پس از به نمایش گذاشتن سحر ساحران را بیان می کند که حضرت موسی علیه السلام آنان را از سرانجام کارشان آگاه کرده و این موضوع را محکم و قاطع با عبارت « إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ » تاکید و بیان می کند . ابن عاشور جمله « إِنَّ اللَّهَ ... » را در نقش خبر برای مای موصوله آورده و گفته که با « إِنَّ » تاکید شده تا وحشت و رعب در دلهايشان بیشتر کند و علامت استقبال ، قرب ابطال را می رساند.(ابن عاشور، ج ۱۱، ص ۱۵۴).

اعتراض:

از انواع اطناب، اعتراض است. اعتراض سه شرط دارد؛ یک: جمله یا بیشتر از جمله باشد تا محلی از اعراب نداشته باشد. دو: بین دو کلامی که باهم متصل هستند بیاید. یعنی دو جمله ارتباط معنوی داشته باشند بطوریکه جمله دوم نسبت به اول عطف بیان، بدل یا تاکید باشد. سه: اعتراض را برای نکته‌ای که غیر از دفع ایهام است بیآوریم مانند تنزیه، دعاء، تنبیه و ... با شرط اول متمیم با شرط دوم ایغال و با سوم تکمیل خارج شد. ضمنا منظور مصنف از کلام مسند و مسندالیه با تمام توابع و متعلقات است. یکی از نکات اعتراض تنزیه است یعنی پاک و منزّه بودن مانند «وَجَعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ» شاهد بر «سبحان» است که درواقع کلام است و جمله زیرا تقدیرش «اسْبِحَ اللَّهُ تَسْبِيحا» است بمعنی «انزه الله تنزیهها» که بین دو جمله «وَجَعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ» و «لَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ» قرار گرفته و این دو جمله بوسیله واو عاطفه بهم متصل اند. یعنی آنان برای خداوند دختران را قرار میدهند و برای خودشان آنچه میل دارند. خداوند از این امر منزّه است.(امین شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲۵-۲۲۶) . در آیه « فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِهِمْ أَن يُفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ.» (یونس/۸۳). عبارتهای « إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ » و « إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ » اعتراض و تعلیل هستند که مضمون قبل خود را تاکید می کنند . مضمون آیه این است که مردم به موسی (علیه السلام) ایمان نمی آوردند چون از عذاب فرعون خوف داشتند « أَنْ يُفْتِنَهُمْ » یعنی «بعذبهم فرعون» و دو عبارت اسباب خوف را تاکید می کند.(نیشابوری نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن، ج ۳، ص: ۶۰۵).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

توضیح بعد ابهام :

این توضیح برای بیان و تثبیت و استواری کلام می آید تا فضل و شرف کلام را بیافزاید و در جواهر البلاغه آمده است که : یکی از اقسام اطناب، توضیح دادن و بیان کردن پس از ابهام است. این توضیح، برای این است که معنی در ذهن شنونده، استوار گردد، چون سخن یک بار به شیوه مبهم و سر بسته و کوتاه ذکر گردیده و بار دیگر به شکل گسترده و بیان شده، بنابراین، ذکر دوباره آن به گونه تفصیلی بر ارجمندی و شرف معنا می افزاید. در این آیه شریفه، «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» و «تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» تجارت نجاتبخش را بیان می کند و توضیح می دهد. (عرفان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۱۰). در آیه (و قُضِيَ إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرُ أَنْ دَابِرَ هَوْلَاءَ مَقْطُوعٍ مَصْبُوحِينَ). (حجر / ۶۶) و این قضیه را بدو خبر دادیم که صبحگاهان دنباله اینان قطع می شود « در این آیه (آن دابر هولاء) تفسیر و توضیحی است برای (ذلك الأمر) که به شکل مبهم آمده است و فایده اش ، هدایت ذهن به شناخت آن و تعظیم شأن عبارت دوم و تمکین آن در نفس شنونده است ، به این بیان که در کلمه (الأمر) ابهام وجود دارد و سپس برای تفخیم " امر " ، عذاب توضیح داده شده است . (هاشمی ، ۲۳۸).

قرار دادن اسم ظاهر به جای ضمیر:

اسم ظاهر به جای ضمیر نهاده می شود تا بیشتر در ذهن جا بگیرد، مثل: «خَيْرَ النَّاسِ مِنْ نَفْعِ النَّاسِ». (حائری، ۱۳۸۱، ج ۷۴: ۳۵۴). این حدیث از پیامبر اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - است. بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند. در این مثال، به جای «نفعهم» از «نفع الناس» استفاده شده است تا بهتر در ذهن جا بیفتد. یا به جای ضمیر، اسم ظاهر می آید برای اینکه در جان شنونده، هراس و هیبت، القاء کند، مثل سخن خلیفه: «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُ بِكَذَا» شاه مؤمنان به چنین کاری فرمان می دهد. یعنی من فرمان می دهم. در اینجا «امیر المؤمنین» به جای «أنا» به کار رفته است. یا برای جلب عطوفت، اسم ظاهر به جای ضمیر استعمال می شود. مانند: «أَيُّدُنِ لِي مَوْلَايَ أَنْ أَتَكَلَّمَ» آیا مولايم به من اجازه می دهند تا سخن بگویم؟ در این مثال، «أَيُّدُنِ لِي مَوْلَايَ» به جای «أَتَأذِنُ» آمده است. (عرفان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۴۰).

تقدیم مسند الیه:

تقدیم مسند الیه اقتضا می کند که جمله فعلیه به اسمیه تبدیل شود آن گاه در واقع مسند الیه دو بار تکرار شده یکبار به عنوان مبتدا و یکبار به عنوان فاعل و این نوعی تأکید است. مانند آیه « وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ ... » (مائده: ۱۱۶) و آن گاه که خدا به عیسی بن مریم گفت: آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را سوای الله به خدایی گیرید؟ در این آیه تقدیم مسند الیه دلالت بر تأکید کلام می کند. چنان که عبدالقادر جرجانی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

معتقد است که بین (اعطیتک) و (انا اعطیتک) فرق است. (عرفان، ۱۳۸۵، ج ۲، ۴۱۷). در آیه «إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف/۱۳۹). مسند الیه (هؤلاء) به صورت اسم اشاره آمده تا آنان را با این حالتی که غرق در کار باطل بودند، را توصیف کند و اسم اشاره تنبیهی بر اینکه آنان در آنچه بعد از اسم اشاره توصیف شده، فرو رفته اند. در جمله ی «مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ» مسند «مُتَّبِعُونَ» بر مسند الیه «مَا هُم فِيهِ» تقدیم شده که مفید تخصیص مسند بر مسند الیه است. یعنی آنان با عملشان در معرض هلاکت هستند. (التحریر و التنویر، ج ۸، ص: ۲۶۶).

نتیجه گیری

طبیعی است که هر زبان دارای ساختار و روش های مختلفی بوده و اسلوب های گوناگونی برای تاکید به اهمیت موضوع مورد نظر داشته باشد. زبان قرآن کریم دارای ویژگی های فصاحت و بلاغت بوده و از این رو دارای اسلوب های گوناگون تاکید است. و آنچه از موارد تاکید در این نگارش انجام شده است مربوط به روش های بلاغی تاکید است که در حوزه علوم بلاغت بحث و پرداخته می شود. در بررسی اسلوب تاکید براساس روش های بلاغی در آیاتی از قرآن کریم این نتایج بدست آمد؛ که خداوند در قرآن کریم از روش ها و اسلوب های تاکید برای بیان مقصود خود استفاده کرده و هر کدام از موارد تاکید، هدفی را برای مخاطب القاء و بیان می کند. همچنین آیاتی که مورد بررسی واقع شد ملزومات تاکید را به وفور می توان یافت که کلام خداوند با آن شروع شده مثل تاکید با جمله اسمیه، با هدف ثبوت و محکم کردن مقصود در بیان می باشد.

منابع

- قرآن کریم
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، ج اول، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحریر و التنویر، موسسه التاریخ، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- امین شیرازی، احمد، آیین بلاغت شرح مختصر المعانی، بی نا، (۱۳۷۱: ه ش)
- تفتازانی، مسعود بن عمر، مختصر المعانی، معانی بیان بدیع، جلد ۱ (۱۳۷۱)، قم، دار الفکر
- سیوطی، ابوالفضل جلال الدین عبدالرحمن ابوبکر، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، لبنان، دارالفکر، ۱۹۸۳ م
- صفایی حائری، علی، استاد و درس (صرف و نحو)، (۱۳۸۱) ه ش، لیله القدر، قم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، بیروت، دار
الکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۶ق.

- الهاشمی، سید احمد، شرح و ترجمه جواهر البلاغه تألیف حسن عرفان، (۱۳۸۸) نشر بلاغت، قم

الهاشمی، سید احمد (۱۳۶۹ و): جواهر البلاغه، انتشارات مصطفوی، الطبعة الرابعة

مقالات و پایان نامه ها

۱- سید محمدباقر، حسینی، صوربلاغی اسلوب تاکید در آیات قرآن کریم، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی
مشهد، ش پنجم، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

۲- سمیه یوسفی، اسلوب تاکید در پنج جزء آخر جزء آخر قرآن کریم، دکتر مجتبی بیگلری، دانشگاه رازی، دانشکده علوم
و ادبیات انسانی، گروه الهیات و معارف اسلامی، خرداد (۱۳۹۳).

۳- محترم، ترخاصی، بلاغت تأکید و کاربرد آن در قصص انبیاء (علیهم السلام)، دکتر سید محمد امام زاده، دانشگاه فردوسی
مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، گروه علوم قرآن و حدیث، مهر ماه (۱۳۹۲).